

به نام خدا

## تقصیر من نیست!



بیل مونی

ترجمه‌ی نیلوفر اکبری

تصویرگر: مارگرت چمبرلین



کتاب‌های کوروش

## فهرست

- یک نامه از کیتی..... ۵
- تقصیر من نیست که عقربه های ساعت..... ۷
- تقصیر من نیست که من بزرگ تر شده ام..... ۱۹
- تقصیر من نیست!... خودش شکست..... ۲۹
- تقصیر من نیست که آن ها با هم دعوا کردند..... ۴۱
- تقصیر من نیست که آن دختره یک..... ۵۳
- تقصیر من نیست که دست ما..... ۶۹



---

## تقصیر من نیست که عقربه‌های ساعت تند می‌دوند

---

توی خانه‌ی کیتی این‌ها، صبح‌ها همه چیز قاتی پاتی می‌شد. تا کیتی می‌رفت دستشویی، پدر سروصدا راه می‌انداخت که کیتی زود باش! دانیل از آن بالا داد می‌زد که نمی‌تواند لباس ورزشی‌اش را پیدا کند. از مادر می‌پرسید که لباسش را کجا گذاشته؟ مادر با یک دستش توی دهان تام غذا می‌گذاشت و با آن یکی دستش، برای کیتی نان گرم می‌کرد. و در تمام این مدت، عقربه‌های ساعت دیواری آشپزخانه، دور خودشان می‌چرخیدند، انگار یک نفر داد می‌زد: «حاضر شو!... بجنب!... برو!...»

این جور وقت‌ها، ساعت خوبی از روز نبود. و آن روز صبح، بدتر از همیشه بود. سروصدا آن قدر زیاد بود که تام کوچولو بالاخره تصمیم گرفت با ونگ و نگش همه را ساکت کند. کیتی به دایره‌ی قرمز عصبانی دور دهان بچه نگاه